

حادثه‌ای در نفس خود بی اهمیت

درگرما گرم جنگ با تجا وزگران بعث عراق، هنگامی که جوانان عزیز ما برای پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی کشور و حفظ دستاوردهای بزرگ انقلاب اسلامی ایران خاک میهن را با خون خود آبیاری می‌کنند، در زمانی که شورش و نبرازی توده‌های مستضعف انقلابی تازه به بار می‌نشیند و نخستین آثار پیروزی حق بر باطل نمایان می‌شود، در تهران، در نقطه گرهی قدرت و به تعبیری دقیق تر در عرصه اصلی مبارزه بر سر قدرت، حادثه‌ای - در نفس خود بی اهمیت - ناگهان موجی از هیجان برمی‌انگیزد که از یک کشاکش عمیق درونی و شاید هم یک تناقض اساسی در ترکیب حکومت و جامعه امروزی ایران پرده برمی‌دارد.

پنجشنبه شب با نهم آبان، در برنا مه‌ای که به نام "بحث آزاد" ترتیب داده شده بود، سخنانی از شبکه دوم تلویزیون پخش گردید که در طی آن، به گفته حجه الاسلام علی قدوسی دادستان کل انقلاب، نسبت‌هایی به انجمن‌های اسلامی و دانشجویان مسلمان پیرو خط امام داده شد و اعدامها و مصادره‌هایی که در راستای تحکیم انقلاب و برکنندن چنگ و دندان دشمنان آن صورت پذیرفته است مورد حمله قرار گرفت. این موضع‌گیری منفی که نشان می‌دهد جریان کنونی امور کشور و انقلاب به مذاق برخی از مدعیان خوشایند نیست، چه بسا که در شرایطی دیگر نا دیده و ناشنیده می‌ماند و به هر حال در ابتدال خود زود به فراموشی سپرده می‌شود.

از سلسله قطعنامه‌های

پارلمان جهانی ملت‌ها برای صلح

(صوفیه ۲۷-۲۳ سپتامبر ۱۹۸۰)

دوستان و دشمنان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در منطقه و در عرصه جهانی

جانب کشورهای منطقه و در مقیاس بین المللی روبرو گردید. در منطقه آن کشور - هائیی که رژیمهای ضد مردمی و وابسته به امپریالیسم آمریکا در آنها حکومت می‌کنند پیروزی این انقلاب و بسط و گسترش تا نیر آن در منطقه را معایر منافع خود دیدند و مواضع خصمانه‌ای نسبت به آن اتخاذ نمودند و به عکس آن کشورهای بی منطقه که خود آماج توطئه‌ها و تحریکات و طرح‌های تجا و زوی امپریالیسم آمریکا و رژیمهای دست‌نشانده آن در منطقه هستند و خود درگیر مبارزه با طرفداری از استقلال ملی و برضد امپریالیسم و تجا و زوات صهیونیستی می‌باشند، پیروزی انقلاب ایران و سرنگونی رژیم دیکتاتور و ضد خلقی وابسته به امپریالیسم آمریکا را در ایران به نفع استحکام مواضع ضد امپریالیستی و استقلال طلبانه خود تلقی نموده و به

پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران و استقرار نظام جمهوری اسلامی در میهن ما یک رویداد تاریخی شگرفی بود که بر مواضع امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا ضربه‌های سنگینی وارد ساخت. با سرنگونی رژیم دیکتاتور شاه معدوم، امپریالیسم آمریکا در این منطقه بزرگترین و حساس‌ترین پایگاه نظامی خود را برای همیشه از دست داد. پیروزی این انقلاب تناسب نیروها را در سطح منطقه به نحوی شگرفی به زیان امپریالیسم و رژیم‌های ضد خلقی وابسته به آن و به نفع نیروهای ضد امپریالیستی و رژیم‌های مستقل ملی دگرگون ساخت و در تغییر تناسب نیروها در عرصه جهان نیز تا نیر چشمگیر نمود.

انقلاب ایران با محتوای ضد دیکتاتور و ضد امپریالیستی و رها بی بخش خود از همان نخستین روزهای پیروزی با واکنشها و اتخاذ مواضع متفاوتی از

عاشورای حسینی

روز پیروزی خون بر شمشیر، روز درخشش اسطوره، جانبازی و تسلیم ناپذیری حسین بن علی و یاران سلحشور او را در برابر دستگاه پیر جبروت و ستمبار، به یزید بن معاویه، که همیشه آنها را مبخش زحمتکشان مومن و معتقد ما در مبارزه با ظلم و بیداد و یزیدی‌های زمانه بوده به همه شیعیان انقلابی و معتقد صادق صمیمانه درود می‌گوییم و با این روز تا بنا تک را که در برانگیختن شور انقلابی توده‌های میلیونی مردم ما در تبرکات دربار امپریالیسم آمریکا نقش حیاتی داشته‌گرمای می‌داریم. "اتحاد مردم"

مسائل صنعتی شدن کشورهای در راه رشد

ساختارهای اقتصادی که فرصت شکل بندی نداشته، وجود دارد. در کشورهای دارای سمت‌گیری سوسیالیستی صنعت بر اساس بخش دولتی که مضمون غیر سرمایه‌داری دارد، رشد می‌یابد. در این کشورها نیز سوسیالیسم به عنوان شیوه تولید هنوز پدیدار نشده است. بنا بر این، لازم است تا کیداست که صنعتی شدن دولت‌های نوپا به شدت منوط به روابط اقتصادی خارجی شان است. صنعتی شدن کشورهای در راه رشد درجهانی که دو سیستم متضاد اجتماعی - اقتصادی در همزیستی و مسابقه به سرمی - برند، جریان دارد. در میان آنها کشورهایی با مراحل مختلف گذار از سرمایه

کسب استقلال مستعمرات سابق، کشورهای نوپا را در برابر ضرورت عینی صنعتی شدن قرار داده است. شرایط ویژه ای که آنها این وظیفه را انجام می‌دهند با شرایط صنعتی شدن سرمایه‌داری در اروپای غربی، آمریکا و شمالی و ژاپن فرق دارد. با شرایط صنعتی شدن سوسیالیستی اتحاد شوروی نیز در تفاوت است. انقلاب صنعتی در کشورهای آسیا و آمریکا و لاتین همزمان با انقلاب علمی و فنی که خطی عمومی دارد، صورت می‌گیرد. در این کشورها صنعت حتی پیش از شکل گرفتن شیوه تولید متناسب آن به وجود می‌آید. در کشورهای مذکور سرمایه‌داری به عنوان یکی از

نیکاراگوئه در دومین سال پیروزی انقلاب

اقتصاد هدف نخستین اقتصاد نیکاراگوئه مبتنی بر کشاورزی است. این کشور قهوه، پنبه و شکر تولید می‌کند که عمدتاً صادر می‌شوند. مانند سایر کشورهای آمریکای لاتین پیش از انقلاب سیستم زمین داری بزرگ برای کشاورز فرمانروا بود و بیش از نیمی از زمین‌های حاصلخیز به ۲۰۰ مالک بزرگ تعلق داشت. در عوض صدها هزار دهقان فاقد

انقلاب نیکاراگوئه پس از در هم شکستن یکی از خونین ترین و بادوام ترین دیکتاتورهای نظامی - پلیسی آمریکای لاتین به دومین سال پیروزی خود گام نهاد است. وظایفی که این انقلاب در دستور روز قرار داده عبارتند از: تمرکز اقتصاد دویران شده از جنگ، تنظیم قانون اساسی برای حکومت انقلابی، برقراری دموکراسی واقعی و بهیچونند شرایط زندگی زحمتکشان.

درباره تحقق نظام اقتصادی جدید بین المللی

۱- پارلمان جهانی ملت‌ها برای صلح بین المللی
کشورهای پیشرفته و کشورهای روبرو رشد افزایش یافته است. در حالی که گرسنگی و فقر و آلودگی و بیماری و محرومیت اجتماعی در کشورهای روبرو رشد به سطح اضطرار آوری رسیده است. بر شروت یک مشت شرکت‌های بزرگ چند ملیتی به سرعت افزوده می‌شود. وضع اقتصادی جهان روبرو خرابی بی‌نهایت، بحران معمولی سرمایه‌داری نیز به بغرنج تر ساختن آن کمک کرده است. در عین حال، مسابقه تسلیحاتی و انباشت جنگ افزارها فاش روز افزونی بر رشد اجتماعی - اقتصادی وارد می‌کند و مانع آن می‌شود.

۲- پارلمان جهانی ملت‌ها برای صلح
بر آن است که به بودا وضع سیاسی در نتیجه سیاست تشنج‌زدایی و همزیستی مسالمت آمیز و مبارزه برای صلح - صلح شرط اساسی برای رشد، پیشرفت اجتماعی و استقرار یک نظام اقتصادی جدید بین المللی است.

۳- به رغم کوشش‌های سازمان ملل متحد و همه نیروهای پیرو عقل سلیم، دهه دوم جهان در شده سرپرستی سازمان ملل تا اندازه زیادی یک شکست بوده است. مسئولیت این شکست و سرخوردگی ناشی از آن را پیشرفته ترین کشورهای صنعتی سرمایه داری و شرکت‌های چند ملیتی

درباره تحقق نظام اقتصادی جدید بین المللی

کشورهای صنعتی جهان سرمایه داری به سوداندوزی خود ادامه خواهند داد.

از آنجا که جهان ما را شبکه روابط متقابل دربر گرفته است و به هر حال جریانات و مورد آن وابسته به یکدیگر می باشد، مبارزه در راه عدالت و برابری در زمینه روابط اقتصادی و بازرگانی و بولی، و همچنین مبارزه برای یک نظام اقتصادی جدید بین المللی باید مبارزه متحده همه ملت ها و همه نیروهای پیشرو بر ضد نیوهای که خواستار بقای وضع موجودند باشد. پس اتحاد کشورهای روبه رشد دارای معنا و اهمیت خاصی است.

این مبارزه بویژه در کشورهای روبه رشد، به صورت اقامه یک دعوی اساسی اجتماعی- سیاسی ظاهر می شود که حتی از مبارزه برای استقلال سیاسی بزرگتر و دشوارتر و پیچیده تر است. و این در آسیا، آفریقا و آمریکا لاتین، مبارزه ای است برای محو کامل استعمار و برای رشد مستقل اقتصادی.

همه ملت ها بدون استثنا، از این مبارزه که موجب پیشبرد صلح بین المللی و امنیت و خنثیت انسانی خواهد بود بهره مند خواهند شد.

۳- برای این مبنا، پارلمان جهانی ملت ها برای صلح چنین نتیجه گیری می کند که:

۱- اعلامیه سازمان ملل متحد در یک نظام اقتصادی جدید بین المللی و نیز منشور ملل متحد درباره حقوق و وظایف اقتصادی کشورها متضمن وعده های بسیار بوده ولی تا کنون بسیار کم چیزی از آن به انجام رسیده است.

مسئول اصلی نگه گیری های دور دراز و بن بست مذاکرات جاری، کشورهای عمده سرمایه داری، یعنی ایالات متحد آمریکا، انگلستان، جمهوری فدرال آلمان، فرانسه و ژاپن می باشد که در جلسات اوکتا دینج و یونیدوی سوم و یا زدهمین اجلاس مخصوص و نیز در کنفرانس مربوط به همکاری اقتصادی بین المللی کمترین حسن نیت سیاسی از خود نشان ندادند.

شرکت های چند ملیتی در واقع بر سو استفاده از امکانات برتر خود بر ضد استقلال اقتصادی کشورهای روبه رشد و بر ضد استقرار یک نظام اقتصادی جدید بین المللی افزودند.

شرط مقدماتی عمده برای پیشرفت اقتصادی در سطح ملی و بین المللی همانا گسترش فضای سیاسی مساعدی به منظور همکاری است. در این زمینه تلاش سیاسی برای تحقق تدریجی دگرگونی های ساختاری اجتماعی - اقتصادی در نظام کنونی اقتصادی بین المللی، هم در پیشرفته ترین کشورهای صنعتی سرمایه داری و هم در حیطه نظام کمپنه اقتصادی در خود کشورهای روبه رشد، از اهمیت قاطعی برخوردار است. و این امر از طریق بسج سراسری و به کار گرفتن منابع طبیعی و مواد خام و امکانات انسانی شان در برنامہ ریزی ملی میسر است.

این تدابیر دور نما های پیشرفت واقعی برای کشورهای روبه رشد پدید خواهد آمد و در آن ها را قادر خواهد ساخت تا با اتکا به خویش برنامہ های انفرادی و جمعی طرح کنند و اتحادیه اقتصادی مستقل و مترقی در سطح منطقه یا بخشی از منطقه تشکیل دهند. جامعه بین المللی قادر خواهد بود الگوی تازه ای از روابط و همکاری

دموکراتیک بین المللی، از قبیل همکاری شرق و غرب، همکاری کشورهای روبه رشد و کشورهای سوسیالیستی و بویژه همکاری بین خود کشورهای روبه رشد، به وجود آورد

۴- پارلمان جهانی ملت ها برای صلح تا کید می ورزد که:

۱- مسابقه تسلیحاتی با استقرار یک نظام اقتصادی جدید بین المللی منافات دارد. هر روز که در مسابقه تسلیحاتی می گذرد فرصتی است که برای رشد و پیشرفت از دست رفته، مقدار عظیمی از مواد خام و بخش بزرگی از مقدرات علمی، تکنولوژیکی ثروت زمینی و نیروی انسانی به طرزی ناروا به مصرف رسیده است. در بسیاری از کشورها، افزایش هنگفت بودجه نظامی بخش غیر نظامی اقتصاد ملی را از رشد باز داشته است.

۲- قدم های مهمی که برای پی بردن به رابطه متقابل صلح و رشد از سوی سازمان ملل برداشته شده است می باید به روشن شدن اذهان در سراسر جهان و تشکیل یک کنفرانس ملل متحد درباره رابطه صلح و رشد منتهی شود.

۳- پارلمان جهانی ملت ها برای صلح از تلاش های سازمان ملل و ارگان های وابسته بدان در عرصه رشد استقرار نظام اقتصادی جدید بین المللی، کمک به کشور های روبه رشد برای نیل به استقلال اقتصادی و تکنولوژیکی و دستیابی به بازارهای بین المللی و شناسایی حقوق و نقش و مشارکت شان در صندوق بین المللی پول و در بانک جهانی قدر دانی می کند.

پارلمان جهانی از یک رشته اقدامات مثبت، مانند برنامه صنعتی کردن به بربرستی صندوق مشترک اوکتا دویونیدو که در راستای اهداف کنفرانس لیما تدوین شده است، افزایش کمک مالی و منابع مادی لازم برای رشد و تدابیر برای سبک کردن بار و امه های کشورهای روبه رشد، جبران خسارت مربوط به فرار مغزها، تدوین و اجرای آیین نامه بین المللی درباره شیوه عمل در انتقال تکنولوژی و نیز آیین نامه درباره شیوه عمل شرکت های چند ملیتی، اجرای قواعد و اصول اوکتا د درباره اعمال محدودیت ها در داد و ستد و مقاطعه کاریها، تدابیر مربوط به حمل و نقل، بویژه کشتیرانی در اقیانوسها و غیره جانبداری می کند.

۴- پارلمان طلب می کند که تصمیمات مثبتی که در کنفرانس های بزرگ سازمان ملل متحد، مانند کنفرانس درباره دانش و تکنولوژی در خدمت رشد، کمک تکنیکی به کشورهای روبه رشد، و کنفرانس جهانی خوار بار اتخاذ شده است به اجرا گذاشته شود. مقررات کلیه آیین نامه های بین المللی درباره شیوه رفتار به صورت قانونی الزامی گردد، کلیه قواعد و اصول اعلام شده، از طریق استقرار یک نظام امنیت اقتصادی بین المللی که هدفش بویژه تضمین آن باشد که کشورهای روبه رشد بتوانند حقوق حاکمیت اقتصادی خود را بر مواد خام و دیگر منابع طبیعی شان اعمال کنند، در برابر بردابیر خصمانه و تلافی جویانه در امان باشد، کنفرانسی از سوی سازمان ملل تشکیل شود تا یک رشته قواعد و اصول جامع درباره بازرگانی وضع کند.

۵- پارلمان جهانی همگان را برای حل هر چه زودتر مسائل حادی که در زمینه های خوار بار، گرسنگی، بیکاری، مسکن، خدمات بهداشتی، بیمه ریهای همه گیر و

بیسوادی مطرح است از طریق کمک فوری بین المللی و تدابیر در از مدت، از جمله استفاده بهتر از دانش و تکنولوژی در خدمت رشد، فرامی خواند.

۶- پارلمان جهانی اصرار می ورزد که: همه مسائلی که با نظام اقتصادی جدید بین المللی در ارتباط اند به یک برخورد جامع به هم پیوسته و تدابیر دراز مدت نیاز دارند، نه آن گونه برخوردی که می خواهد مسائل را با تصمیمات جداگانه و تنها با اقدامات تسکین دهنده حل کند.

۷- دولت ها به تنهایی و بدون شرکت موتور فشار توده ها، به زحمت قادرند اهداف ملت ها را به انجام رسانند. مقاصد و اهداف استراتژی جدید و شدید بین المللی در دهه سوم جهان دیرای رشد به سرپرستی سازمان ملل باید بر اساس موافقت همگانی تصویب و برآورده شود و به عنوان یک مسئولیت مشترک به عمل در آید. و در زمینه هایی که تقدم دارد، از طریق موافقت نامه ها و تدابیر موثر به اجرا گذاشته شود. این امر، پیش از هر چیز، به یک برخورد سازنده در مذاکرات و به گذشت های عمده از سوی کشورهای پیشرفته صنعتی نیاز مند است. با این همه، وظیفه اصلی کشورهای روبه رشد آن است که با اتخاذ تدابیر جامع و مترقی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به منظور رشد و اجرای دگرگونی های داخلی، تغییرات ساختاری در جامعه و در رژیم کشورهای خود پدید آورند. در این زمینه کمک بین المللی به کشورهای روبه رشد ضرورت دارد.

۸- پارلمان جهانی از سازمان ملل، دولت ها، سازمان های بین دولتی و غیره - دولتی و توده های مردم دعوت می کند تا دست به دست هم دهند و یک همکاری ثمر بخش به منظور رشد و استقرار نظام اقتصادی جدید بین المللی به وجود آورند.

۹- پارلمان جهانی ارزیابی ها، پیشنهادهای و خواست های جنبش کشورهای غیر متعهد را درباره رشد و استقرار نظام اقتصادی جدید بین المللی، آن گونه که در ۱۹۷۹ در اجتماع سران درها و انا آمده است، مورد پشتیبانی قرار می دهد و از این جنبش دعوت می کند تا برنامه های خود را در مورد همکاری اقتصادی به مرحله اجرا در آورد. پارلمان جهانی از پیشنهاد ارائه شده در سی و پنجمین مجمع عمومی سازمان ملل از سوی پیرزیدنت فیسل کاسترو، رئیس جنبش غیر متعهد، مبنی بر اختصاص یک کمک مالی اضافی به کشورهای روبه رشد که مبلغ آن از سیصد میلیارد دلار کمتر نباشد پشتیبانی می کند.

۱۰- دریا یان، پارلمان جهانی فعالیت های همگانی زیر را توصیه می کند: - به اجرا گذاشتن یک برنامه موثر عمل، بویژه در سطح ملی، به منظور نیل به رشد مستقل و استقرار نظام اقتصادی جدید بین المللی. در این برنامه عمل با تدبیر رابطه متقابل بین صلح و رشد، برپا شیر کلی بحران اقتصادی و مناسبات تسلیحاتی بر سطح زندگی و پیشرفت اجتماعی توده ها، پر نقش افکار عمومی و نقش زنان در امر رشد، و بر مبارزه توده های فقیر برای اعاده حقوق اقتصادی خود و ارضای مطالبات شان درباره زمین تا کید شود.

۱۱- تأسیس گروه های ویژه ملی و مراکز منطقه ای به منظور رشد و توسعه. - تقویب همکاری در سطوح مختلف با سازمان ملل و سازمان های بین دولتی و

غیر دولتی.

۱۲- شرکت موثر همه طرفهای ذی نفع در مذاکرات جامعی که از سوی یا زدهمین اجلاس، مخصوص برنامه ریزی شده است. - تدارک فعال و شرکت در فعالیت های عمده سازمان های غیر دولتی، مانند سومین کنفرانس جهانی درباره رشد که قرار است به سرپرستی شورای جهانی صلح در سال ۱۹۸۱ در مکزیکو تشکیل شود.



بزرگ مالک روستای

عباس آباد زرنند کرمان

همچنان به چپاول

دهقانان مشغول است

روستای "عباس آباد" در ۴ کیلومتری جنوب غربی زرنند کرمان واقع است. در این روستا حدود ۸۰ خانوار زندگی می کنند. محصول عمده این روستا پسته است. اکثر باغات پسته به بزرگ مالکی تعلق دارد که با دربار سابق روابط بسیار نزدیکی داشت. این زمیندار بزرگ و برادرش در روستاهای این منطقه مالک هکتارها زمین پسته کاری هستند. اکثر مردان این روستا در شهرستان زرنند در تاسیسات ذوب آهن مشغول کارند. به گفته اهالی علت این امر وجود بزرگ مالکان است که برای کارگزاران اشکال ایجاد می کردند. آبیاری اراضی زراعتی عباس آباد توسط ۷ چاه عمیق صورت می گیرد. ۵ پمپ آب این چاه ها به یک بزرگ مالک، یک پمپ به یک فئودال دیگر و تنها یک پمپ به دهقانان تعلق دارد که تا ز یک چهارم آن در مالکیت بزرگ مالک است. پیش از انقلاب بزرگ مالک این روستا با استفاده از نفوذ خود در دربار سابق دهقانان را به شدت استثمار می نمود و مانع از حفر چاه عمیق برای تأمین آب آشامیدنی دهقانان بود. جالب این است که مالک مذکور در زمان طاغوت ما مورا طلاحات ارضی در آن سامان بود. به گفته دهقانان مالک یاد شد پس از انقلاب کلیه باغات خود را به شخص دیگری اجاره داد. او اکنون در تهران زندگی می کند و به روستا نمی آید. در این ده در مانگا و لوله کشی آب وجود ندارد. آب آشامیدنی این روستا که از چاه های عمیق تأمین می شود، شورا است. این روستا فقط یک مدرسه چهار کلاس دارد. از بعد از انقلاب مردم روستا به کمک جهاد سازندگی از یک تا نکر و غنی پمپ آب بزرگ مالک استفاده کرده، آب آشامیدنی خود را در آن ذخیره می کنند. اما متأسفانه این تا نکر اغلب فاقد آب است. برای ساختن خانه مقداری زمین بین روستا ثانیان تقسیم شده است. بیشتر اهالی در صد ترک این روستا هستند. چون به خاطر نداشتن زمین، کم درآمدند. بدیهی است که تنها با اجرای سریع قانون واگذاری زمین به دهقانان می توان از گسترش این پدیده نامیمون جلوگیری کرد و مانع از مهاجرت آنان به شهرها و متروک ماندن روستا ها شد.

بقیه: دوستان و دشمنان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران

پشتیبانی از آن برخاستند. در سطح جهانی نیز وضع به همین منوال بود. دولتی که خود جز سیستم امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا هستند و بیروزی انقلاب ایران و سرنگونی رژیم وابسته و استقرار یک نظام مستقل ملی خلقی و ضد امپریالیستی در کشور ما به منافع آنان لطمه وارد نمود و مواضع سیاسی و اقتصادی و نظامی آنان را چه در منطقه و چه در سطح جهان تضعیف و متزلزل ساخت، نسبت به این انقلاب و جمهوری اسلامی ایران به تبعیت از سیاست امپریالیسم آمریکا و بر حسب سرشت امپریالیستی خود دست به کار توطئه و تحریک و وارد کردن فشارهای سیاسی و اقتصادی و تهدیدات نظامی علیه انقلاب نوپا و نظام جمهوری اسلامی ایران شدند.

امپریالیسم آمریکا که از زمان دوری او جگری جنبش انقلابی مردم ما از هیچ گونه تلاش و اقدامی برای به خاک و خون کشیدن و سرکوب این جنبش و پشتیبانی از رژیم دیکتاتوری شاه معدوم فروگذار نکرد پس از بیروزی انقلاب فشارهای سیاسی و اقتصادی و توطئه‌های تجار و نظامی خود علیه جمهوری اسلامی ایران را با هدف براندازی این نظام و تحمیل مجدد یک رژیم ضد خلقی دست نشانده به مردم ایران ادامه و گسترش داد.

رژیم‌های وابسته به امپریالیسم آمریکا در منطقه نیز به حکم سرشت ضد خلقی خود و تبعیت از سیاست امپریالیسم آمریکا و ترس از اینکه تا ثورات انقلاب ایران بتواند به پیدای خلقهای این کشورها مساعدت کند و به سرنگونی رژیمهای ضد خلقی و وابسته به آنها منجر شود علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران روش خصمانه‌ای در پیش گرفتند و در توطئه‌ها و تحریکات امپریالیسم آمریکا بر ضد جمهوری اسلامی ایران شرکت جستند.

رژیم‌ها در مصر، سلطان قابوس در عمان، عربستان سعودی، اسرائیل و پاکستان، اردن، سودان، تونس، مراکش و سومالی فعالیت‌های نظامی و خرید جنگ افزار را گسترش دادند، تا سیاست و پایگاه‌های نظامی خود را در اختیار امپریالیسم آمریکا قرار دادند و عملاً به برنامه‌های تدارکات جنگی و توطئه‌های تجار و زگران آمریکا علیه ایران پیوستند و انور سادات اعلام نمود که تمام تاسیسات و پایگاه‌های نظامی محرمانه برای عملیات تجاوزی علیه ایران در اختیار آمریکا می‌گذارد.

از جانب عربستان سعودی اعتبارات چند میلیون دلاری برای خرید جنگ افزار و تجهیزات نظامی به پاکستان داده شد، رژیم سلطان قابوس پایگاه‌های نظامی خود را برای پیاده کردن و استقرار واحدهایی از نیروهای واکنش سریع در اختیار وزارت دفاع آمریکا قسیر، رداد، تجاوز نظامی نافرجام آمریکا در عملیات طیس با استفاده از امکانات نظامی مصر و پاکستان، عمان و عربستان سعودی انجام گرفت. پس از تجاوز نظامی جنا بخت امیر دا رودسته رژیم‌ها فن مداح حسین به جمهوری اسلامی ایران همین رژیمهای ضد خلقی و وابسته به امپریالیسم آمریکا در منطقه از تجاوز نظامی عراق به ایران پشتیبانی کرده و آمادگی خود را برای هرگونه کمک و از آن جمله کمکهای نظامی به رژیم صدام حسین اعلام داشتند. در مقابل کشورهای عضو جبهه پایداری، الجزایر، سوریه، لیبی، جمهوری دموکراتیک خلق یمن و سا زمان آزادیبخش فلسطین که خود درگیر مبارزه با امپریالیسم آمریکا و مقاومت

دربار بر نقشه‌های تجار و زگران اسرائیل قرار دارند، از نخستین روز بیروزی انقلاب مردم ایران و استقرار جمهوری اسلامی، حمایت و پشتیبانی خود را از این انقلاب اعلام نمودند. در برابر توطئه و تحریکات امپریالیسم آمریکا به دفاع از جمهوری اسلامی ایران برخاستند و برای بسط و توسعه روابط خود با جمهوری اسلامی ایران در همه زمینه‌های سیاسی و اقتصادی از این اقدامی کردند. این کشورها جنگ تحمیلی و خائنانه رژیم صدام حسین علیه جمهوری اسلامی ایران را محکوم نمودند و به درستی این جنگ را حلقه‌ای از توطئه‌های امپریالیسم آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران ارزیابی نموده و آمادگی خود را برای هرگونه کمک به جمهوری اسلامی ایران اعلام کردند. در سطح جهانی نیز کشورهای امپریالیستی، فرانسه، انگلیس، آلمان غربی، ژاپن، به تبعیت از سیاست امپریالیستی خود که بیروزی انقلاب ایران و استقرار جمهوری اسلامی ایران به مواضع سیاسی و اقتصادی و نظامی آنان به مقیاس جهانی لطمه وارد ساخته و این مواضع را تضعیف نمود. در تمام اقدامات سیاسی و اقتصادی و تهدیدات نظامی امپریالیسم آمریکا علیه ایران شرکت نمودند. انگلیس فرانسه، آلمان غربی و ژاپن در تحریم و محاصره اقتصادی علیه ایران شرکت نمودند. واحدهایی از نیروی دریایی انگلیس و فرانسه و آلمان غربی به بهانه پاسداری و حفظ امنیت آبراه‌های خلیج فارس و تنگه هرمز به این منطقه اعزام شدند و در مانورهای دریایی تهدید آمیز نیروی دریایی آمریکا در این منطقه شرکت نمودند. دول امپریالیستی اروپای غربی و ژاپن تجاوز نظامی نافرجام امپریالیسم آمریکا در طیس را تایید نمودند و به تقویت نیروی نظامی رژیمهای ضد خلقی و وابسته در منطقه خلیج فارس پرداختند که قرار داد ۴/۵ میلیارد دلاری فرانسه با عربستان سعودی در مورد فروش جنگ افزار و بناهای جنگی فرانسه به عربستان سعودی که اخیراً منعقد گردید از نمودارهای برجسته آن می‌باشد.

اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی از نخستین روز بیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران و استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران، از این انقلاب و جمهوری اسلامی ایران پشتیبانی نمودند و آمادگی خود را برای گسترش روابط با جمهوری اسلامی نوپا را در ایران در همه زمینه‌ها ابراز داشته‌اند. زمانی که امپریالیسم آمریکا تلاش نمود محاصره اقتصادی خود علیه جمهوری اسلامی ایران را به تصویب شورای امنیت سازمان ملل متحد برساند و از طریق این سازمان بین المللی این توطئه را به دیگر کشورهای عمیل نماید، اتحاد شوروی مانند عضو رسمی شورای امنیت سازمان ملل متحد با استفاده از حق و توییشن‌ها دولت آمریکا را رد کرد و بدین وسیله توطئه محاصره اقتصادی به مقیاس جهانی علیه جمهوری اسلامی ایران را با شکست روبه ساخت. در عین حال اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی آمادگی خود را برای تأمین نیازمندی‌های اقتصادی ایران در شرایط محاصره اقتصادی که از جانب آمریکا و دیگر دول غربی اعمال گردیده، اعلام داشتند. از سوی دیگر در رابطه با تدارکات جنگی روز افزون و گسترده امپریالیسم آمریکا در منطقه خلیج فارس علیه جمهوری اسلامی ایران، دولت شوروی با اظهارهای

مکرر خود دولت آمریکا را از ادامه این گونه اقدامات خطرناک و مداخله نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران بر حذر داشت. متأسفانه تا قبل از تجاوز نظامی جنا بختارانه رژیم صدام حسین که به تحریک امپریالیسم آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران انجام گرفت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نسبت به کشورهای منطقه و در روابط بین المللی آن نواقص و نارسائیهایی وجود داشته که از جانب مقامات مسئول و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، به آنها اشاره شده است و کوشش‌هایی جهت رفع این نارسایی‌ها و تدوین یک سیاست خارجی اصولی مبتنی بر تأمین منافع انقلاب و تثبیت مواضع بین المللی جمهوری اسلامی ایران به عمل آمده و در این زمینه موفقیت‌هایی حاصل شده است.

بدون تردید سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران یک اهرم مهم و مؤثری است که در صورت تدوین و اتخاذ خط مشی انقلابی راستین می‌تواند در گسترش و استحکام دستاوردهای انقلاب و استواری مواضع بین المللی جمهوری اسلامی ایران نقش پرارزشی داشته باشد. برای تدوین یک چنین سیاست خارجی اصولی و اتخاذ خط مشی‌های واقع بینانه قبل از هر چیز شناخت عینی و به دور از هرگونه تعصب و ذهن‌گرایی و پیش‌داوری نسبت به نیروها در منطقه و در عرصه جهانی ضرورت دارد. چنین سیاستی در روابط بین المللی با توجه به محتوا و هدف ضد امپریالیستی انقلاب و تأمین استقلال کامل کشور در همه زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی با یستی در سمت همکاری و گسترش روابط با همه آن کشورها و نیروهای یا شده که در جبهه ضد امپریالیستی جهانی قرار دارند و آمادگی اندیشیدن اصول برابری حقوق و عدم مداخله در امور داخلی و احترام به حق حاکمیت و استقلال کامل جمهوری اسلامی ایران با ما همکاری کنند. در شرایط کنونی تحمیل جنگ جنا بختارانه دارو دسته رژیم صدام حسین و مواضع خصمانه‌ای که رژیم ضد خلقی و دست نشانده در منطقه علیه جمهوری اسلامی ایران اتخاذ نموده و عملاً از دولت تجاوزکار عراق پشتیبانی می‌کنند و در شرایطی که توطئه‌ها و تحریکات و تدارکات نظامی امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران همچنان ادامه دارد، شناخت دوستان واقعی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران چه در منطقه و چه در مقیاس بین المللی اهمیت بیشتری کسب می‌کند. مرزبندی مشخص میان دوستان و دشمنان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و اتخاذ یک موضع اصولی و واقع‌گرایانه در این زمینه بیش از هر چیز به تدوین سیاست خارجی اصولی جمهوری اسلامی ایران و برقراری روابط آن با کشورهای منطقه و سایر کشورهای جهان که در جبهه جهانی مبارزه با امپریالیسم قرار دارند مساعدت می‌کند.

شرکت فعال در جنگ عادلانه
بر ضد دولت متجاوز عراق
یک وظیفه انقلابی است!

کنفرانس ابراهیم‌بستگی با نیروهای ضد امپریالیست خلیج فارس در نیکوزیا

هفته گذشته در نیکوزیا با بیست و تیرس به ابتکار سازمان همبستگی کشورهای آسیا و آفریقا یک کنفرانس فوق‌العاده با شرکت نمایندگان قریب ۶۰ کشور برای ابراهیم‌بستگی با نیروهای ضد امپریالیست خلیج فارس برگزار شد.

شرکت کنندگان در کنفرانس وظیفه خود دانستند و وضعی را که در خلیج فارس در نتیجه تلاشهای خرابکارانه امپریالیسم مقدم بر همه ایالات متحده آمریکا برای باز ستاندن مواضع سیاسی و نظامی از دست رفته خود در این منطقه جهان پدید آمده است مورد بررسی قرار دهند.

چنانکه می‌دانیم بسیاری از کشورهای این منطقه در ده سال اخیر از بیوغ امپریالیست‌ها آزاد شدند، با این که این آزادی هنوز کامل نیست، در هر صورت یک پدیده مهم و تاریخی برای تمامی خاور نزدیک و میانه است.

از رویدادهای مهم دهه گذشته در این منطقه برجسته شدن بسیاری از پایگاه‌های نظامی خارجی، مقدم بر همه پایگاه‌های نظامی انگلیس در خلیج فارس - اخراج امپریالیسم آمریکا از ایران، ملی شدن شرکت‌های نفتی و تحت کنترل ملی در آبدن بسیاری از شرکت‌های نفتی است. در نتیجه این اقدامات، استقلال کشورهای این منطقه مورد بحث هر چه بیشتر نمایان می‌گردد و آنها امکان می‌یابند نقش مستقل بیشتری در صحنه بین المللی ایفا کنند.

از پایان سال گذشته گرایش جدیدی به چشم می‌خورد و آن عبارت از احداث پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند است. چنین پایگاه‌هایی هم‌اکنون در عمان ایجاد شده است پایگاه سابق نظامی انگلیس در بحرین که اکنون به آمریکا تعلق دارد، دوباره شروع بکار کرده است. پس از چند سال مجدد واحدهای نظامی آمریکا در خاک عربستان سعودی به فعالیت پرداخته‌اند. همچنین پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه‌های بالنسبه دورتر از خلیج فارس در خاک مصر و کنیا ایجاد شده است. واشنگتن این مناطق را حریم "حیات" خود اعلام کرده است. این مساله بسیار جدی است.

نمایندگان کنفرانس نیکوزیا حقایق زیادی درباره استقرار واحدهای نظامی آمریکا در این منطقه از جهان ابراز کردند. در عین حال به این حقیقت بسیار مهم اشاره شد که جنبش مترقی در این کشور - هاروزه روز بعداً بیشتری پیدا می‌کند سطح آگاهی مردم فزونی می‌یابد و تمایل به تشریح مساعی احزاب و سا زمان‌های متوقی روز به روز بیشتر می‌شود. این جریان در اسناد مصوب کنفرانس انعکاس یافته است. شرکت کنندگان در کنفرانس همچنین به پدیده مهمی که باعث تشدید و گامت اوضاع منطقه خلیج فارس شده است توجه نمودند. مطلب بر سر درگیری نظامی ایران و عراق است. این جنگ که به تحریک امپریالیست‌ها علیه ایران تحمیل شده، جنگی است که شیره جان ملت‌ها را می‌مکد خسارات و ویرانی‌های فراوانی به بار می‌آورد، ثروت‌های طبیعی ایران و عراق را به باد فنا می‌دهد و جوانان این دو کشور را به کام نیستی می‌کشد. از این جنگ، امپریالیسم و نوکران آن در منطقه بهره برداری می‌کنند.

نیکاراگوئه در دومین سال پیروزی انقلاب

ها فعالانه به کار گرفته می شود. با تب نوبه که در ایس کشور شیوع دارد، شدیداً مبارزه می شود. همه کودکان در برابر فلج اطفال، دیفتیریوسا یربیماری های واگیردار و اکسینه شده اند. پلی کلینیک های متعددی در مناطق عقب مانده دایر شده است. این مناطق هرگز بهرگز به روی خود ندیده بودند. در این یک سال شش بیمارستان بزرگ در شهرها ساخته شد.

دولت انقلابی سوادآموزی را از وظایف اصلی خود اعلام نمود. در آغاز سال جاری یک برنامه پنج ماهه به تصویب رسید و ۹۵۰۰۰ جوان برای اینکار استخدام شدند. آنهابه شهرهای دور افتاده و روستاهای دور دست در دل کوه ها و جنگل ها اعزام شدند. کوبا نیز گروهی از معلمانش را به کمک فرستاد. پایان ماه اوت (مرداد ماه) نتایج این بیکار بررسی و اعلام شد. ۴۶۰۰۰۰ نفر خواندن و نوشتن آموختند و ۲۰۰۰۰۰ نفر دیگر به زودی با سواد خواهند شد.

این بیکار ژرفای تغییرات انقلابی را برای مردم زحمتکش ملموس نمود. ضدانقلاب کوشید این اقدام بزرگ را بی اعتبار سازد و با ترتیب باندهای تروریست مانع از پیشرفت نهضت سوادآموزی شود. بسیاری از جوانان بدست این باندها از یاد درآمدند.

حکومت خلق

جمهوری نیکاراگوئه بر اساس قانون اساسی موقت اداره می شود. این متن برابری همه شهروندان را در برابر قانون و حق آزادی بیان را برای آنان تضمین کرده است. وزارت خانه های مهم چون دفاع، برنامه ریزی و کشاورزی تحت رهبری مدیریت رجال جبهه رهایی ملی ساندینیست قرار دارد. این جبهه نیروی محرک انقلاب خلق نیکاراگوئه است. ارتش توده ای ساندینیست، واحدهای مسلح خلقی ساندینیست، امنیت دولتی و پلیس ساندینیست برای دفاع از زمین انقلابی در برابر تهدیدات دشمنان طبقاتی داخلی و خارجی بوجود آمده است.

ایده های ساندینودر باره، مبارزه با امپریالیسم، دفاع مسلحانه از حاکمیت ملی، نقش طبقات زحمتکش در سرنوشت های ملت در برنامه جنبش ساندینیست مجسم شده است. "ساندینوی دیروز، ساندینوی امروز، ساندینوی همیشه!" یکی از توده ای ترین شعارهاست.

کارلوس فونسه که در مبارزه با نیروهای سرکوبگر دیکتاتور سوموزا در نوامبر ۱۹۷۶ تقریباً در ۴۰ سالگی از یاد رفت، یکی از ایدئولوگها و بنیانگذاران جبهه ساندینیست بود. به افتخار این انقلابی نامی در میدان انقلاب واقع در مرکز ماناگوا پایتخت نیکاراگوئه بنام یادبود سادای برپا شده که یک مشعل همیشه در آن فروزان است. یکی از خیابان های ماناگوا نیز به نام این قهرمان ملی نامگذاری شده است.

پیروزی بردیکتاتور سوموزا تنها تحت رهبری جبهه رهایی ملی ساندینیست که در ۱۹۶۱ پی ریزی شد، امکان پذیر گردید. از این رو، این جبهه به حق نقش حزب حاکم را بازی می کند.

در سند شورای رهبری حکومت نوزایی ملی که ارگان عالی حکومت به شمار می رود، فرمانروایی جبهه رهایی ملی ساندینیست به رسمیت شناخته شده و در آن تاکید گردیده

تشکیل تعاونی ها برای بهره برداری از واحدهای کوچک یکی دیگر از شیوه های است که برای انجام دگرگونی در روستا انتخاب شد. در یک سال تقریباً ۲۵۰۰ تعاونی که اکثراً تعاونی های تولیدند، تشکیل شده است. دولت به این تعاونی ها اعتبار و کمک فنی داده، بذر آنها را تامین کرده و محصولات را خریداری می کند.

البته هنوز تعداد زیادی واحدهای کوچک بهره برداری فردی و زمین های اجاره ای وجود دارد. قسمتی از زمین های ضبط شده به آنها واگذار شده است. این واحدهای بهره برداری تا یک چهارم تولید کلی کشاورزی و تقریباً یک سوم قهوه و پنبه را تولید می کنند. دولت به این واحدها نیز کمک می کند.

مالکیت بزرگ ارضی هنوز برجاست. این در مورد مالکینی است که با رژیم سوموزا در دنیا میخته بودند. برخی از آنها هنوز زمین های وسیعی در اختیار دارند. مساله تغذیه، صادرات مواد صنعتی به قدری حاد است که دولت از همه بخش ها دعوت به عمل آورد که تولیدشان را فعالانه بالا ببرند. با وجود این، این دعوت چنانچه با بدوشاید از جانب بخشی از مالکان بزرگ زمین استقبال نشد. آنها در صدها هزار هکتار زمین متعلق به خود نه اقدام به کاشت گندم کردند و نه آنها را به اجاره دادند. دولت به این مالکان اطلاع داد که یک چنین موضع گیری نمی تواند مجاز و قابل تحمل باشد. قانون مربوط به استفاده، معقولانه از زمینها که تحت بررسی است، در نظر دارد زمین های با بر اضبط کند و آنها را به کسانی بسیار که بتوانند روی آن کار کنند. یعنی این زمین ها به دهقانان زحمتکش واگذار شود.

دولت انقلاب در زمینه اعتلای صنعت نیز با مشکلات روبروست. بیشتر موسسات صنعتی و کارخانه ها در نتیجه بمباران ها آسیب دیده اند و جریان عادی تهیه مواد اولیه نیز دچار اختلال شده است.

امروز بیش از ۲۰۰ موسسه که به دارو دسته، سوموزا تعلق داشتند، تحت کنترل دولت قرار گرفتند و جز ثروت اصلی به شمار می روند.

بخش عمومی صنعت با بانک ها و تجارت خارجی ملی به ایزایی بیشتر اقتصاد تبدیل شده است. صنعت معدن که از ۱۸۸۰ تحت کنترل انحصارات خارجی قرار داشت ملی شده است. در عین حال، دولت از ابتکار خصوصی به نفع اقتصاد ملی استفاده می کند. موسسات خصوصی برای توسعه و تجارتنی شدن محصولات از دولت اعتبار و کمک دریافت می دارند. این اقدامات به وجه قابل ملاحظه ای نیاز دارد و دولت فاقد آن است. خلق نیکاراگوئه برای غلبه بر ویرانی اقتصادی از جانب دوستان مطمئن خود: کوبا، اتحاد شوروی، جمهوری دموکراتیک آلمان و سایر کشورهای جامعه سوسیالیستی کمک دریافت می کند.

روابط اقتصادی با سوئد، اسپانیا، جمهوری فدرال آلمان، مکزیک، ونزوئلا و غیره برقرار گردیده است. ایالات متحده نیز موافقت کرده است که به این کشور کمک نماید. کنگره تلاش کرد که زاین کمک برای تحمیل شرایط سیاسی بهره برداری کند، اما رهبران نیکاراگوئه با قاطعیت آن را رد کردند.

پیکار علیه بیمارها و بیسوادی

دولت انقلابی در زمینه اجتماعی تلاش برای مسائل فوری چهار رت رسیده از سلطه دیرین امپریالیسم و لیگاری متمرکز کرده است. بهداشت و آموزش عمومی در صدر برنامه اجتماعی دولت قرار گرفته است. شعار انقلابی تضمین تندرستی برای همه نیکاراگوایی

است که این جبهه پیشا هنجی است که امر جنگ انقلابی را به انجام رسانده و با تکیه بر توده های وسیع مردم در دروند انقلابی قرار گرفته است.

البته، جبهه رهایی ملی ساندینیست در اداره کشور تنها نیست. همه قشرهای اجتماعی و همه گروه های سیاسی وابسته به انقلاب در اداره کشور شرکت دارند. از این رو در شورای رهبری تنها یک نماینده جبهه رهایی ملی ساندینیست شرکت دارد. شورای دولتی، ارگان قانونگذاری و اجرایی متشکل از نمایندگان تقریباً همه احزاب سیاسی، سندیکاها، محافل بازرگانی، چندین سازمان اجتماعی و حتی اوپوزیسیون است. مخصوصاً در این ارگان حزب محافظه کار دموکرات و جنبش دموکراتیک نیکاراگوئه نیز عضویت دارند.

حزب سوسیالیست نیکاراگوئه، حزب خلق اجتماعی - مسیحی و حزب لیبرال مستقل متشکل در جبهه رهایی ملی ساندینیست نیروهای پیشرو و دموکراتیک جبهه میهن - پرست انقلاب را تشکیل می دهند.

انقلاب توده های وسیع زحمتکشان را به مبارزه طبقاتی سوق داد. تحت رهبری جبهه رهایی ملی ساندینیست، مرکز سندیکایی ساندینیستی زحمتکشان (سازمان ملی)، جمعیت زنان نیکاراگوئه و اتحادیه جوانان ساندینیست بوجود آمده است. در همه جا کمیته های دفاع ساندینیست که در بسیج توده مردم برای مبارزه با دشمن به دولت کمک می کنند، شکل گرفته است.

امپریالیسم، ارتجاع داخلی و خارجی تلاش می کنند که روند انقلابی این کشور را متوقف سازند. مخالفین، سخیوگویی صاحبان صنایع بزرگ و استثمارگران در اقدامات دولت کار شکنی می کنند و برای انجام فوری انتخابات "آزاد" پارلمانی تعیین رئیس جمهور فشار وارد می آورند. رهبری جبهه رهایی ملی ساندینیست توضیح می دهد که تدارک انتخابات پیش از ۱۹۸۴ آغاز نخواهد شد. زیرا این کار "مردم را از انجام وظایف اصلی میهن بازمی دارد" شورای رهبری تا ۱۹۸۵ یعنی تا زمان به فرجام رسیدن امر پیشرفت باقی می ماند.

کاردهای سوموزا که به کشورهای همسایه (مخصوصاً به هندوراس) فرار کرده اند، تحت حمایت دیکتاتورهای ضد خلقی آمریکا مرکزی و سازمان سیا (ایالات متحده) نهان و آشکاراً رژیم انقلابی مبارزه می کنند. آنها مخفیانه وارد نیکاراگوئه شده، به پست های ارتش خلقی حمله می کنند، اعضای دولت انقلابی و نیروهای ضربتی سوادآموزی را از یاد می آورند، اموال تعاونی های دهقانان را آتش می زنند و حیوانات اهلی را با خود می برند. این باندها گاه توسط مالکان بزرگ ارضی رژیم های همسایه که با سوموزا همکاری نزدیک داشتند، سازمان داده می شوند. دولت برای خنثی کردن این توطئه ها از ارتش و نیروهای مسلح خلق کمک می گیرد. در ماه اوت - سپتامبر راهزنان ضد انقلاب در بخش های نوئوسگوویا، زلایا و مناطق دیگر پاکسازی شدند. ماه سپتامبر یک توطئه ضد انقلاب به رهبری برناردینولاریوس سرهنگ سابق گارد ملی خنثی شد. این واقعه نشان داد که سیاطر حای خطرناکی در چنجه دارد که اعزام باندهای مسلح فقط برای سرگرم نگاها داشتن است. این طرحها برای حمایت از عناصر بربروزواری و زمینداران بزرگ است که نمی خواهند امتیازاتشان را از دست بدهند. تهدیدات دشمنان با جدیت از جانب امنیت دولتی، افراد مسلح غیرنظامی، کمیته های دفاع از انقلاب و همه مردم نیکاراگوئه که به سوی آینده ای روشن و مطمئن گام برمی دارند، خنثی می شود.

مطبوعات جهان و اوضاع منطقه خلیج فارس

خود در درگیری ایران و عراق، اقدامات آمریکا هرگز بی طرفانه نبوده است. نیروهای مسلح آمریکا که در این منطقه مستقرند، اگرچه هنوز دست به شلیک توبه نزدند عملابه این درگیری جلب شده اند. هدف های ایالات متحده آمریکا در منطقه خلیج فارس از منافع انحصارات نفت سرچشمه می گیرد. این روزنامه میس می نویسد: "دسایس ایالات متحده آمریکا در خاور نزدیک و میان نه مقدم بر همه قسوجه ابراد لطمه به وحدت نیروهای ترقیخواه و فدا مهربالیست در این منطقه و کاهش وحدت این نیروها و همچنین متوجه اعاده رژیم پهلوی و سرسپرده انحصارات غربی

با یگا دریایی هورت اساموت برای اعزام این ناوگروه سریع العمل با شتابزدگی انجام می گیرد. در حال حاضر در مجاورت مستقیم محل درگیری ایران و عراق یک ناوگروه انگلیسی که ناوشکن موشکی کوونتری و فرگات آلکرتی و ناوهای حمایتی جز آن هستند، به اتفاق ناوگروه آمریکایی در مانوورهای مشترک در خلیج عمان شرکت دارد. تپپوس و رلدروزنا مه مترقی کارگران آمریکا اشاره می کنند که "ایالات متحده آمریکا با تشدید تشنج در منطقه خلیج فارس ارتباط مستقیم دارد." این روزنامه نوشته است: "برخلاف اظهارات واشنگتن درباره "بیطرفی"

کشورهای امپریالیستی به سرکودگی آمریکا برای تشدید حضور نظامی خود در خلیج فارس تدارک می بینند. روزنامه تا بمز چاپ لندن اطلاع داده بود که در حال حاضر فرماندهی نیروی دریایی انگلیس به تشکیل یک ناوگروه سریع العمل مشغول است که دو هفته دیگر رهسپار منطقه خلیج فارس خواهد شد. ناوشکن پریمینگن و فرگات آویچر و دوناو حمایتی جز این ناوگروه خواهد بود. طبق اطلاع رسمی هدف از اعزام ناوگروه جدید انگلیس تا مین کشتی رانی این کشور در منطقه خلیج فارس است. جراید به این نکته مطلق توجه می کنند که تدارکسات در

بقیه کنفرانس ابراز همبستگی بانبروهای...

شرکت کنندگان در کنفرانس نیکوزیا طی پیامی به دولت ایران و عراق نظرات خود را درباره جنگ اعلام داشتند و خواستار خاتمه آن بر اساس حق و عدالت شدند. شرکت کنندگان در این کنفرانس برنامه آینده آمادگی خود را برای تحکیم وحدت نیروهای ترقیخواه در مقابله با دسایس امپریالیستی در منطقه خلیج فارس واقیانوس هند و تشدید پشتیبانی بین المللی از مبارزه غلبه ای منطقه نشان دادند.

مسائل صنعتی

شدن...

داری به سوسیالیسم دیده می‌شوند. نگرانی که موجب رویارویی رژیم‌های کهنه و نو اجتماعی گردیده، شکل‌ها و جریان صنعتی شدن کشورهای رهایی یافته را که امروز از مهمترین قلمرو مبارزه اقتصادی - اجتماعی وایدئولوژیک به شمار می‌روند، نشان می‌دهد. این قلمرو همه مسائل مربوط به صنعتی شدن را دربرمی‌گیرد و این سوال را مطرح می‌سازد که آیا کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکا لاتین در کوشش برای ایجاد صنعت ملی به تجربه صنعتی شدن سوسیالیستی نیازمندند یا نه؟ تفاوت‌های موجود بین شکل‌ها و اسلوب‌های صنعتی شدن در کشورهای دارای راه رشد سرمایه‌داری و کشورهای دارای سمت گیری سوسیالیستی همواره اختلاف میان نتایج اجتماعی - اقتصادی صنعتی شدن این دو گروه کشورها را شدت می‌دهد.

بسیاری از کشورهای در راه رشد از زمان کسب استقلال به پیشرفت‌های مهمی در این زمینه نائل آمده‌اند. اما با این همه کوشش‌ها ایشان در این جهت با دشواری‌های قابل ملاحظه‌ای روبرو بوده‌است. در حال حاضر مسائل اقتصادی صنعتی شدن بنا به واقعیت و رود این کشورها به مرحله کیفیتا متفاوت مبارزه برای استقلال اقتصادی - که مضمون اساسی آن ابتکارات مربوط به بکار بردن اصول برنامه‌نظم نوین اقتصادی بین المللی است - جنبه‌های تازه‌ای کسب می‌کند. پنجمین اجلاس کنفرانس ملل متحد در باره تجارت و رشد (مانیل مه ۱۹۷۹) یکبار دیگر فرصتی بود برای کشورهای نوپا که اراده خود را در زمینه از میان برداشتن مواضع صنعتی شدن شان که محصول نابرابری‌های ویژه اقتصادی جهانی سرمایه‌داری است، نشان دهند.

ضرورت عینی صنعتی شدن کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکا لاتین بر اساس کارکرده گروه عوامل کاملاً هم‌بسته مشخص می‌شود: محور عقب ماندگی اقتصادی به ارث رسیده از استعمار، تمایل به کسب استقلال اقتصادی و رهایی از استثمار امپریالیستی، و بالاخره فوریت حل مسائل اجتماعی - اقتصادی مربوط به از میان برداشتن گرسنگی، فقر، بیکاری، بیسوادی، امراض مسری و غیره. هر یک از کشورهای رهایی یافته برای تأمین استقلال سیاسی خود احتیاج به انقلاب صنعتی در قلمرو اقتصادی دارند.

چنانکه می‌دانیم، کشورهای بزرگ می‌توانند صنعت مدرن کم و بیش کاملاً ایجاد کنند، اما برای کشورهای کوچک نه امکان واقعی و نه ضرورت ایجاد موسسات در اکثر بخشها وجود دارد. صنعتی شدن

برای برخی از این کشورها حیرانه معنای سنگین‌گیری رشد در قلمرو صنعت نیست و مخصوصاً می‌توانند بر اساس پایه‌ای صنعتی معطوف به بهبود کشتا و رزی، خدمات، تجارت، فعالیت‌های بانکی، حمل و نقل‌ها و غیره، باشد. بنا بر این، صنعتی شدن کشورهای جهان سوم مستقل از ویژه کاری این یا آن کشور در مجموع منوط به داده‌ها و مصلحت‌فنی صنعت بطور اعم و صنعت، تبدیل مواد بطور اخص است.

در این اواخر به شکاف فزاینده اقتصادی بین کشورهای پیشرفته و کشورهای در راه رشد که محصول سلطه استعماری است، توجه فراوانی معطوف گردیده‌است. در ۱۹۵۰ تولید سرانه ناخالص داخلی در کشورهای سرمایه‌داری ۱۱/۲ برابر کشورهای در راه رشد (به ترتیب ۱۵۷ و ۱۴۰ دلار) بوده‌است. در ۱۹۷۷، اختلاف به ۱۲/۵ برابر (۳۵۰۰ دلار در برابر ۲۸۰ دلار) افزایش یافت. شکاف در زمینه تولید سرانه صنعت تبدیل مواد به مراتب عمیق تر است.

تولید ناخالص رسمی سرانه صنعتی (به قیمت نرخ‌های رسمی مبادله ۱۹۷۵)

	۱۹۵۰	۱۹۷۷
کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری	۴۵۵	۱۱۶۰
کشورهای در راه رشد	۲۲	۷۴
منجمله		
آمریکای لاتین	۸۱	۲۱۸
جنوب و جنوب شرقی آسیا	۸	۲۷

اختلاف ارزش تولید ناخالص رسمی سرانه صنعت در کشورهای پیشرفته، سرمایه‌داری و کشورهای در راه رشد به دفع گروه نخست در ۱۹۵۰، ۴۲۳ دلار و در ۱۹۷۷، ۱۰۸۲ دلار بوده‌است. تناسب شاخص‌های کیفی، منجمله سطح فنی صنعت و بهره‌وری کار برای کشورهای گروه دوم نامساعد است. کشورهای در راه رشد که سه چهارم جمعیت روی زمین به آنها تعلق دارد، (طبق تعداد لیسانس‌ها و پروانه‌های به ثبت رسیده) تقریباً ۱٪ قدرت علمی و فنی را در دست دارند.

بنا بر این تضاد فنی نیست که به در خواست کشورهای نوپا پیشنها در مربوط به لزوم صنعتی شدن سریع آنها به منظور افزایش سهم شان در تولید صنعتی از ۷٪ به ۲۵٪ لا اقل تا سال ۲۰۰۰ به برنامه‌نظم نوین اقتصادی بین المللی افزوده شده‌است. کشورهای نوپا برای دستیابی به این هدف همواره به طرح‌های رشد متوسط سالانه، تولید صنعتی مساوی یا بیشتر از ۱۱٪ نیاز دارند. این امر بیانگر دو نتیجه است. نخست این واقعیت که فرمول بندی وظایفی چنین بلند پروازانه به اهمیت صنعتی شدن کشورهای نوپا گواهی می‌دهد. دوم این که تثبیت این برنامه به وسیله دستاوردهای محسوس کشورهای در راه رشد در قلمرو صنعتی شدن امکان پذیر شده و بازتاب گرایش‌هایی است که هم اکنون در رشد صنعتی این کشورها به وضوح دیده می‌شود.

تولید صنعتی همه کشورهای در راه رشد در فاصله ۱۹۵۰ و ۱۹۷۰ چهار برابر شده‌است. نرخ رشد متوسط سالانه آن در دهه ۷۰ تقریباً ۷٪ بوده‌است. این شاخص برای صنعت تبدیل مواد ۸٪ می‌باشد. در ۱۹۷۸ حجم تولید صنعتی ۶٪ و حجم تولید صنعت تبدیل مواد ۱۱٪ افزایش یافت. مراکز و مناطقی جدید صنعتی در آسیا، آفریقا و آمریکا لاتین بوجود آمده‌است. جمعی در هند (الکترونیک، پتروشیمی، پارچه بافی، مرکز فیزیک هسته‌ای)، ساوئولو و لتا رودند در برزیل (ماشین سازی، ذوب آهن، متالورژی غیر آهن، شیمی و صنایع سبک) حلوان در مصر (ذوب آهن و ماشین سازی) مونترالی در مرکزیک (ذوب آهن، کارخانه ابزار سازی، پتروشیمی) و غیره از جمله این مراکز است. در ۱۹۷۷، تولید مجموع کشورهای در راه رشد ۵٪ بیشتر از تولید همه کشورهای سرمایه‌داری اروپای غربی در ۱۹۵۰ بوده‌است. صنعت جوان ملی به مدرنیزه شدن تکنیک کشاورزی که در برخی کشورها منشا ترقی عظیم تولید کشتا و رزی بود، کمک نمود.

بطور اساسی، صنعتی شدن محدود به بخش‌های مربوط به تولید کالاهای مورد مصرف عادی است. تنها برخی از کشورهای بزرگ به تازگی، در مقیاس وسیعی، به تولید تجهیزات و وسائل صنعتی پرداخته‌اند که سهم مهمی از آنها به صادرات اختصاص دارد. صنعت جوان هند در دستگاه‌های بخار، موتورهای برقی، ابزار و وسایل کارخانه‌های پارچه بافی، کارخانه‌های چای و قند، موتورهای دیزل و یخچال‌های خود را به بازار جهانی عرضه می‌دارد. ماشین ابزارهای ساخت هند توسط کشورهای صنعتی منجمله انگلستان، ایالات متحده، هلند و استرالیا خریداری می‌شود. طی دهه ۷۰، صنعت ذوب فلزات هند به صنعت صادر کننده بزرگی تبدیل گردید. هند لوله‌های فولادی و چدن به قطره‌های مختلف به کشورهای در راه رشد کشورهای پیشرفته، صنعتی چون فرانسه، انگلستان، ژاپن و استرالیا تحویل می‌دهد. سالهاست که اتحاد شوروی جایگزیده‌ای میان مشتریان هند دارد. اتحاد شوروی از هند پارچه‌های پشمی و نخی، ماشین‌ها و تجهیزات (منجمله وسایل الکتریک و تکنیک و کارآزم) محصولات فلزی و شیمیایی خریداری می‌کند.

صنعتی شدن در کشورهای در راه رشد در اساس به تغییرات بنیادی اجتماعی - اقتصادی و در جای نخست به رشد بخش دولتی مربوط است. بخش دولتی در هند نزدیک به ۱۶٪ محصول ناخالص ملی را در دست دارد. لازم به یاد آوری است که ۱۲۹ موسسه عمومی صنعتی به خاطر تقریباً ۵۰ محصول اساسی که مواضع محکمی برای دولت در اقتصاد ملی تأمین می‌کنند، در اکثریت قرار دارند. گسترش صنعت ملی، شکل بندی طبقات را در بسیاری از کشورهای نوپا - که هنوز تحقق نیافته‌است - در پی دارد. تعداد کارگران صنعتی جهان سوم با بیش از ۶۰ میلیون نفر سه بار از ایالات متحده و ۱/۵ بار از اروپای غربی

یا لیستی به قدرت نمایی در این منطقه دست می‌زنند. کشورهای اردوگانه سوسیالیستی که در راه ملحق‌توانا مین تشنج‌زدایی بین المللی مبارزه می‌کنند، بر اساس اتحاد محکم با کشورهای در حال رشد اقدام می‌نمایند. روزنامه "آند سوپی چاپ سنگال" نوشته‌است: "امپریالیسم بین المللی که امپریالیسم آمریکا در رأس آن قرار دارد، تلاش می‌کند با استفاده از این که عراق و ایران در جنگ خونین ضعیف تر می‌شوند و با استفاده از شکاف در

بیشتر است، بورژوازی ملی صنعتی نیز روبه رشد است. به موهبت صنعتی شدن، در آمد متوسط سرانه ملی این کشورها علی‌رغم رشد شدید جمعیت روبه فزونی است. با این همه نابرابری در توزیع در کشورهای دارای سمت گیری سرمایه‌داری شدت یافته‌است.

صنعتی شدن، مخصوصاً هنگامی که به کمک کشورهای جامعه سوسیالیستی انجام می‌گیرد، همواره امکانات مستعمرات پیشین را در ساختن موسسات صنعتی جدید با تکیه بر نیروهای خاص شان، افزایش می‌دهد. سهم تجهیزات ساخت هند در میان وسایل و لوازم مورد استفاده مجتمع ذوب آهن بهیلابی در مرحله نخست کارها ۱۰٪ و در مرحله دوم ۲۰٪ بوده‌است. روند صنعتی شدن در کشورهای نوپا بطور فوق العاده نابرابر جریان دارد. این امر موجب تقویت تما یزشان می‌شود. در حال حاضر حجم تولید سرانه صنعتی در آمریکا لاتین سه بار بیشتر از متوسط جهان سوم در مجموع و ۸ بار بیشتر از سطح جنوب و جنوب شرقی آسیا است. در آندسته از کشورهای آسیایی، آفریقای و آمریکای لاتین که راه رشد سرمایه‌داری را انتخاب کرده‌اند، صنعتی شدن موجب پدید آمدن گرایش به شکل بندی گروه‌های انحصاری ملی شده‌است. البته، انحصارات این کشورها را نمی‌توان از حیث اهمیت شان با شرکت‌های صنعتی قدرت‌های غربی برابر دانست. لیکن این انحصارات مانند انحصارات غربی می‌کوشند موقعیت مسلطی بدست آورند و سودهایشان را از راه محدود نمودن مصنوعی رقابت‌ها افزایش دهند. این گروه‌ها سرزمین‌هایی را که کمتر صنعتی شده‌اند، به عنوان حاشیه کشاورزی با زار کالاهای صنعتی و قلمرو صدور سرمایه - های خود می‌نگرند. همه این عوامل پدید آورنده، شکل جدیدی از روابط است که می‌توان آن را با اصطلاح مادون امپریالیسم مشخص کرد.

چون کشورهای در راه رشد به اقتصاد جهانی سرمایه‌داری وابسته‌اند، صنعتی شدن آنها موجب تشدید تضادهای آن می‌شود. این تضادها در قالب تشدید رقابت و افزایش بزخورد ها بین کشورهای نوپا و کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری خود - نمایی می‌کنند. صنعتی شدن کشورهای نوپا تابع قوانین سیکل سرمایه‌داری و نفوذ سیاست سرمایه‌انحصارگر بین المللی است. البته، این امر در مراحل برخی مسائل را ممکن می‌سازد و به نوبه خود آفریننده یک رشته از مسائل دیگر است. در کشورهای که راه رشد سرمایه‌داری را انتخاب کرده‌اند، نابرابری‌های اجتماعی شدت روزافزونی یافته و شرایط مساعدی برای تشدید تضادهای خاص جامعه بورژوازی بوجود می‌آید. این گروه از کشورهای نوپا چارچوب بیکاری و تورم و عدم تأمین فزاینده مادی و غیره روبرو می‌شوند.

(ادامه دارد)

وحدت نیروهای ترقیخواه سیادت خود را در منطقه خاور میانه برقرار کنند. این روزنامه می‌نویسد: پنتاگون بردت تشنجات در این منطقه می‌افزاید و واحد های بزرگ نیروی دریایی، نیروی هوایی، تفنگداران دریایی و نیروهای واکنش سریع را در آن متمرکز می‌سازد. روزنامه "آند سوپی" نوشته‌است: واکنش سنی دارد به بهانه دروغین دفاع از راه‌های حمل نفت از خلیج فارس به جنبش آزادی بخش ملت‌ها لطمه زید

بقیه: مطبوعات جهان و اوضاع...

در تهران است: روزنامه اتیوپی هرالد نوشته‌است: تیره شدن اوضاع در خلیج فارس به سود امپریالیسم آمریکا و به نفع نیروی صهیونیسم و ارتجاع است. روزنامه اتیوپی هرالد می‌نویسد: بار اول نیست که نظامی‌گران ایالات متحده آمریکا

با استفاده از بهانه مبتذل خطر موهوم که گویا "منافع حیاتی" ایالات متحده آمریکا را تهدید می‌کند حضور خود را در اقیانوس هند در نواحی مجاور آن شدت می‌دهد. واشنگتن و متحدین آن در پیمان تجاوز - کارانه، تا تو با وجود اعتراضات کشور - های مستقل منطقه که سیاست عدم تعهد را اتخاذ نموده‌اند، کامیت ملی این کشور - ها را نقض می‌کنند و استقلال آنها را در معرض خطر قرار می‌دهند. روزنامه اتیوپی هرالد می‌افزاید: در حالی که دول امیر -

حادثه‌ای در قفس

از آن درخشان یکشنبه ۵۹/۸/۱۸ به چاپ رسید پس از اشاره به شرح حشتناک بنا زداشت یکی از شرکت کنندگان بحث آزاد نامبرده "به لحاظ احساس عدم امنیت و بی اعتبار کردن قانون اساسی در مردم و تا کید بر این نکته که "وقتی با چنین سادگی و افتخار یک مبارز کهنه کار، عضو شورای انقلاب، مدیر عامل رادیو تلویزیون و وزیر خارجه جمهوری اسلامی توقیف و توهین می شود، دیگر چه آبرو برای اسلام و انقلاب ایران باقی خواهد ماند"، در خطاب مستقیم به حضرت امام خمینی، "جدا و استرحا ما از مقام رهبری انقلاب خواهان دخالت ایشان و "جبران جلوگیری از این تجاوزات می - شود، بزودی دیگران هم - از جمله تنی چند از مقامات روحانی - اظهاراتی در تکیه اقدام دادستان انقلاب تهران می کنند و آن را "عملی ناشایست و ناروا"، "توقیف آزادی بیان و انتقاد مشروع"، "مقدمه" بازگرداندن ساکنان و بی عدالتی - ها و حکومت فردی بر جامعه" می شمارند. در این میان، کیهان و دوسه روزنامه دیگر تهران که در موضع سیاسی، اقتصادی و طبقاتی معینی قرار دارند، روغن بر آتش می - پاشند و با تیرهای درشت خبر از راه پیمایی مردم قم جمع - آوری امضا در پای طومارهای چند و چندین متری، دستگیری امضاء کنندگان طومار در قم، نامه سرگشاده بازاریان تهران و فعالیت های دیگر می دهند. سیوش تن تما ینده، با استناد به اصل ۳۲ قانون اساسی، از رئیس مجلس شورای اسلامی می - خواهند که "هر چه زودتر از نقض قانون اساسی جلوگیری گردد". حمله های امان است و رجز خوانی ها مکرر - بویژه از جانب "مبارز کهنه کار" که به مجرد ترک او این مدعی می - شود: "چون به امر امام آزاد شدم، هیچ شرطی را برای آزادی خود قایل نشدم"، و حال آن که، به گفته آقای لاجوردی دادستان انقلاب تهران، ایشان پس از چهل و چند ساعت بازداشت "به قید کفالت آزاد شد و پرونده شان مفتوح است". کار این جنجال حتی به رادیوهای امپریالیستی و صهیونیستی کشیده می شود که البته جانب "مظلوم" را می گیرند و برای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که گویا با پمال انحصار طلبی حزبی شده است یقه می درانند تا جایی که با بد از خود پرسید آیا جبهه تبلیغاتی تازه ای بر ضد جنبو انقلابی و سازش ناپذیر کنونی ایران - و این بار در موضع دفاع از قانون اساسی - در کار رگشودن است؟ در واقع، این صف بندی و جبهه گیری، به گفته حجت الاسلام علی قدوسی دادستان کل انقلاب در محامیه جمعه شب ۲۳ آبان که در اخبار تلویزیون پخش شد، موضوع ساده ای "به نظر نمی رسد و گویا "هستند کسانیکه می خواهند جو متشنجی بجا دهند" زیرا - با زبانه گفته "ایشان - "این مرده قابل این شیون نیست" ولی، اگر هم این مرده به چنین شیونی ارزانی نباشد، از دست دادن صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، ایمن موثرترین وسیله نفوذ در اذهان مردم و به حرکت در آوردن - شان در عرصه اجتماعی و سیاسی، به صد چنین شیونی می - آرزود. عزل کسی که خود را قائم مقام سرپرست رادیو تلویزیون می داند و پس از احضار به دادگاه انقلاب رونهان کرده است و جهت روشن شدن بیشتر حقایق! دادستان کل کشور، آقای موسوی رجبیلی را، به بحث آزاد دعوت می کند، اگر با انتخاب دوتن از سوی دادستان کل برای سرپرستی موقت رادیو تلویزیون همراه نمی بود با چنین عادی و ساده ای تلقی می - شد. ولی مقارن بودن این دو امر به مراتب بیش از یک عزل و نصب عادی معنا و برد دارد. اینجا سنگرمه های است که از دست می رود و هز آتشی که هست از اینجا زبانه می کشد. بیهوده نیست که، به نوشته کیهان در شماره بیستم آبان، راه پیماییان قم (؟) فریاد بر می دارند:

"صدا و سیما ایران - از انحصار حزبی - آزاد باید گردد!"

و این شعار به طرفداری از کسانی داده می شود که در سراسر دوران پس از انقلاب، صرف نظر از پاره ای جرح و تعدیل های جزئی، صدا و سیما ایران را در انحصار خود داشتند و بدیهی - ترین مصالح سیاست داخلی و خارجی انقلاب ما را - آنجا که مسئله شناخت دوستان و دشمنان انقلاب عظیم خلقی و خدا مهربالیستی ایران مطرح است - به عمد زیر پای گذاشتند. به هر حال، ما برای بر تانمه "بحث آزاد" آنچنانی را باید سرازیر یک زور آزمایی جدی و آشکار در میدان سیاست دانست. مسئله، به رغم آنچه به ظاهر می توان دید، کلی است و سراسر انقلاب و راه آینده آن و منشی اصولی جمهوری اسلامی ایران را مطرح می کند. ضربه هایی که در چند ماهه اخیر در مجلس، دولت، اقتصاد، رهبری جنگ و سیاست خارجی به جناح معینی از بورژوازی ایران وارد شده آن را بهانه جوو کینه - توزی و آماده ستیز کرده است. امکان حرکات ماجراجویانه را، از این سو، بهتر است که از نظر دور ندرند.

نفت و آزمندیهای امپریالیسم آمریکا

با رزمزه "خطر نظامی شوروی" در گوش متدانش می گوشت آنها را به برقراری کنترل خود بر جاهای نفت متقاعد سازد. خیلی پیش از انقلاب ایران امکان اشغال جاهای نفت ایران و سواحل عربی بررسی شده بود. تهاجمات مکرر دریایی و هوایی که امروز آن صحبت می - شود از ۱۹۷۲ - ۱۹۷۳ از فردای جنگ اعراب - اسرائیل ومنع صدور نفت اعراب به عده ای از کشورهای غربی دنباله رو آمریکا آغاز گردید.

هنگامی که عروسک امپریالیسم آمریکا از تخت سلطنت نواستعماری فرو افتاد، واکنشگن به شدت دچار سرگیجه شد. دستگا رهبری آمریکا که خلیج فارس را "منطقه" منافع حیاتی "ایالات متحده" اعلام کرد و تهدید نمود که از این منطقه "با تمام وسایل، من جمله نیروی مسلح دفاع خواهد کرد" مدعی "حق" مداخله و اعمال سیلست امپراتوری است. رهبران ایالات متحده

انگیزه های گذشته یا زخواهدگشت آمریکا با محاصره اقتصاد ایران از تقابلی در سودای به زانو در آوردن جمهوری اسلامی ایران است. زیرا انقلاب ایران به عادت نفت ایران به وسیله کارتگن های نفتی آمریکا، انگلیس، فرانسه، هلند و غیره پایان داد. اما تهدید سلاحی دو دهه است. ر. استیل مولف "پاکستان آمریکا نا" و "دائاداف الیا نش" (پایان اتحاد) در "نیوس دی" نوشت: "آنچه به زاین و اروپای غربی مربوط می - شود، جدی ترین خطر برای آنها در تهیه" نفت حضور شوروی در افغانستان نیست، بلکه سیاست و رهبری کارتر در ایران است که تحویل نفت ایران را متوقف ساخت و به ترقی شدید قیمت ها پس از سقوط شاه انجام مید."

آنها حق دارند از خود بپرسند: آیا واکنشگن واقعا به منافع متحدین اروپای غربی و زاینی خود توجه دارند یا این که عالمو اعماذ برضد این منافع رفتار می کند؟

"نفت" کلمه ای است که فالبا امپریالیسم آمریکا از آن برای توجیه سیاست توسعه طلبانه خود در خاور نزدیک و میانه، بویژه خلیج فارس استفاده می - کند. تبلیغات ایالات متحده می گویند ثابت کند که "روس ها" یا توده های "فنانتیک" مسلمان "در نظر دارند تحویل نفت این منطقه را به ایالات متحده و اروپای غربی قطع کنند. این "دلایل" وقتی می تواند موثر باشد که جهانیان کور و کور بوده باشند. واقعیات نشان می دهند که این آمریکا است که در حال حاضر به تدارک تجاوز در خلیج فارس و دریای عمان مشغول است و نیروهای ضربتی اش را به این منطقه اعزام نموده است.

در پشت واژه ها

نسبت دادن اعمال خود به دیگران شیوه ای است که سابقه دیرین دارد. امپریالیستها از این شیوه به وسعت سود می جویند.

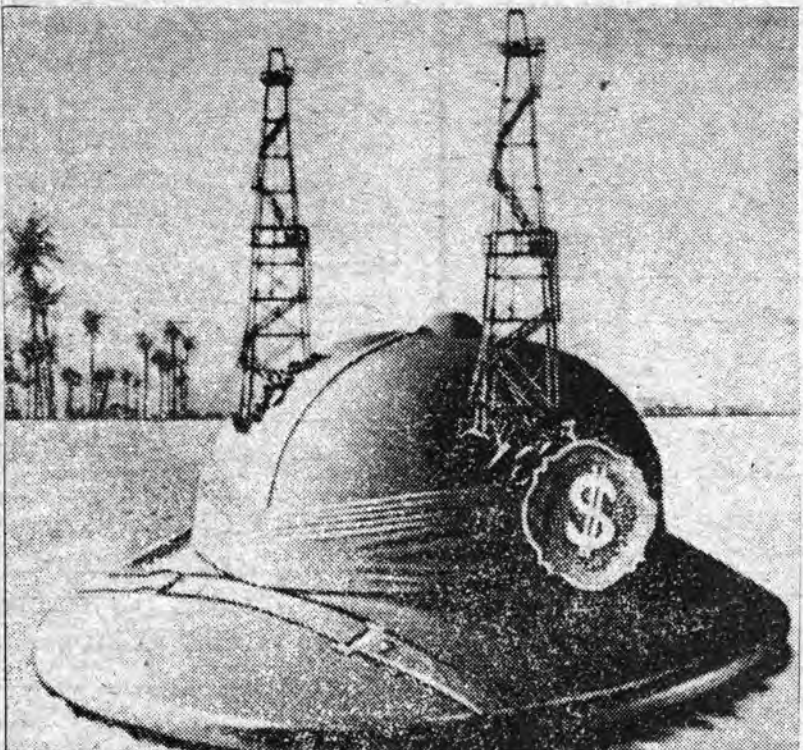
انحصارات آمریکا (هماهنگ بریتانیا) حتی در صورت از دست دادن کنترل مستقیم استخراج نفت و تنظیم قیمت های آن با شبکه ای از شعبه ها، حمل و نقل، توزیع و تصفیه نفت را در دنیا سرمایه دار زیر کنترل خود دارند. واکنشگن امروز سخت در تلاش است که کنترل مستقیم نظامی اش را برای تحویل نفت برقرار کند و در صورت امکان با سرکوب جنبش های رهایی بخش منطقه کنترل قسمتی از جاهای نفت را برای انحصارات نفتی آمریکا تامین نماید.

در حال حاضر خلیج فارس ۶۰٪ منابع نفت استخراجی دنیا را سرمایه داری را در دست دارد. ذخیره این منابع مجموعا ۵۰ میلیارد تن است که ۲۳ میلیارد تن آن متعلق به عربستان است. تقریبا دو پنجم نفت دنیا سرمایه داری از این منابع استخراج می شود (۱/۵۷ میلیارد تن در ۱۹۷۹). قریب دو سوم ادوات جهانی نفت (نزدیک به ۱۰ میلیارد تن) عمدتا از راه تنگه هرمزها مین می شود.

کشورهای اروپای غربی (به جز انگلستان و نروژ) و ژاپن عملا فاقد نفت اند. ایالات متحده ۲۰٪ آمریکا تقریبا ۴۵ میلیون تن نفت در سال تولید می کند. اما مصرف آن بیش از دو برابر است. آنها با صرفه جویی در منابع خود، همواره واردات نفت شان را افزایش می دهند. آمریکا در پی کسب نفت ارزان است.

اصولا کشورهای تولیدکننده نفت ما پلند که نفت خود را صادر کنند. اما می - خواهند که فروش نفت شان بر اساس حقوق برابر انجام گیرد و منافع اقتصادی شان لگدمال نگردد. به همین مناسبت این کشورها از ۲۰ سال پیش سازمان کشورهای صادرکننده نفت، اوپک را بوجود آوردند. اکنون این سازمان ۱۳ عضو دارد، کشور - های خلیج فارس در آن اکثریت دارند. کشورهای عضو اوپک با جبهه متحد خود در برابر انحصارات نفتی به پیشرفت های چشمگیری نائل آمدند و از این رودر عرصه بین المللی نیروی اقتصادی مالی و سیاسی موثری را تشکیل می دهند.

واکنشگن با کشتن نیروی دریایی هوایی و چتر بازخبر، منطقه خلیج فارس در تلاش است با تهدید و اعراب صدور نفت ارزان را به آمریکا تا مین کند. اما دوران "کشتی های توپدار" مدت ها ست سپری شده و خاور میانه و نزدیک دیگر به دوران نفرت



منافع انحصارات درسیا ری جهات تعیین کننده سیاست آمریکا در خاور نزدیک است.

عطش سلطه جویی

سرمایه داری به ویژه سرمایه داری آمریکا ده ها سال منابع روبه انتهای زیر زمین، بالاض نفت را چپاول نمود. از هنگ های رشد بالنسبه پیشرفته غرب و زاین در فاصله سالهای ۵۰ و آغاز دهه ۷۰ چنین بر می آید که آنها بسیاری از مواد اولیه را تقریبا رایگان به دست آوردند. تصادفی نیست که آنها توانستند ترقی بیشتری از دیگر برقیقت های نفت را طی هفت سال تحمل نمایند.

فرماندهان اقتصاد سرمایه داری با شنیدن اولین جرقه تند بحران انرژی توانستند عمق یخازن نفت شان را ببینند. به این دلیل که ملا روشن است که استراتژی های واکنشگن بیهوده خیال خام برقراری کنترل احتمالی شان را بر منابع انرژی جهان سرمایه داری در سر می پیروانند. ایالات متحده امروز با رقیبان جدی

روبروست. آنها عبارتند از اروپای غربی پیش از همه با زار مشترک و ژاپن. امپریالیسم آمریکا دیگر انحصار دنیای سرمایه داری را در دست ندارد. ایالات متحده با از دست دادن مواضع مسلط خود در بسیاری از بخش های مهم اقتصادی همچنان برتریش را در زمینه نظامی نسبت به متحدان رقیب حفظ کرده است. این وضع محافل رهبری آمریکا را تشویق نموده است که نقش پیشین شان را در اعمال فشارهای نظامی مخصوصا در مناطق نفت خیز به عهد بگیرند. واکنشگن

نسبت به ایران رفتار رشلول بندهای تگزاس را در پیش گرفته اند. دروا واکنشگن حتی گفته شده است که: "ایالات متحده می تواند در خلیج فارس سلاح هسته ای تاکتیکی بکار برد" البته با سلاحهای معمولی هم می توان چاهها، لوله های نفت و بندرها را نابود کرد. بی - جهت نیست که آمریکا را به فیل دیوانه ای تشبیه کرده اند که همه چیز را لگدکوب می - کند. اما، به برکت اراده خلق انقلابی ایران و خلقهای قهرمان منطقه می تردید این "فیل دیوانه" زنجیر خواهد شد.

تصحیح

در شماره گذشته در شعر "سرود برای آزادی" مصرع پائین را به ترتیب زیر اصلاح فرمائید: "جوجه لگلك پیری بودی"

"اتحاد مردم" صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمود اعتمادزاده (ا. م. به آذین) سردبیر: محمد تقی برومند آدرس: خیابان سزاوار شماره ۱۸۹ تلفن: ۶۴۴۳۸۴ چاپ کویان - تلفن: ۳۹۲۵۱۹